یادداشت روز

کابینه تناقض‌ها و کلاهی که سرشان گذاشتند

«دهه ۹۰ بدترین دهه زندگی مردم ایران و دهه گمشده اقتصاد ایران بود.» این جمله‌ای بود که هفته گذشـــته به نقل از اسحاق جهانگیری معاون اول آقای روحانی در دولت‌های یازدهم و دوازدهم منتشر شد. آقای جهانگیری که در جمع اعضای شورای سازمان جوانان حزب کارگزاران سازندگی صحبت می‌کرد ضمن اعترافی ناخواسته به ناکامی و ناتوانی دولت آقای روحانی البته سعی کرده تقصیر را به گردن دیگران بیندازد: «نهادهای حاکمیتی با رئیس‌جمهوری که مورد تاییدشان نیست، همکاری نمی‌کنند گویی که اگر او موفق شود، نهادها شکست خورده‌اند.»

اعتراف تلخ آقای جهانگیری به عدم موفقیت دولت موسوم به اعتدال در حالی است که اندکی پیش از او آقای روحانی در دیدار با اعضای تحریریه یکی از روزنامه‌های هوادارش و در اظهاراتی کاملا متفاوت، دستاوردهای عجیب و غریبی را به نشانه موفقیت برای این دولت ردیف کرده بود. مثل همیشـــه ما باز هم شاهد یک تناقض دیگر میان دولتمردان اعتدال هستیم البته این بار بین معاون اول رئیس‌جمهور و شخص رئیس‌جمهور وقت.

اما نکته جالب اینجاست که حتی اظهارات آقای روحانی و دستاوردهایی که او برای دولتش شمارش کرده نیز پیشتر توسط اعضای کابینه‌اش نقض و تکذیب شده بود. در واقع ما با کابینه‌ای از تناقض‌ها مواجهیم که حتی خودشان هم بر عملکرد مثبت‌شان اتفاق نظر ندارند؛ چه رسد به مردم! آنها ظاهرا فقط بر ضعف حافظه تاریخی ما حساب باز کرده‌اند؛ اما بازخوانی همین تناقضات آنها کافی است تا بدانیم وقتی از خسارات دولت‌های یازدهم و دوازدهم سخن می‌گوییم؛ دقیقا از چه چیز حرف می‌زنیم.

یکی از ادعاهای مطرح‌شـــده توســـط آقای روحانـــی؛ درباره قرارداد توســـعه فاز ۱۱ پارس جنوبی با شرکت فرانسوی توتال است. آقای روحانی در این زمینه می‌گوید: «ما با توتال قرارداد بســـتیم برای فاز ۱۱ که تمام گاز فـــاز ۱۱ را تزریق کند به چاه‌های پارس جنوبی، نه اینکه ما گاز برداشت کنیم... ما می‌خواستیم تزریق کنیم تا گاز افت نکند... ما و چین می‌خواستیم از توتال یاد بگیریم که چگونه این تکنولوژی را اجرا می‌کند.»

احتمالا منظور آقای روحانی از چنین ســـخنی «فشارافزایی» در پارس جنوبی بوده اســـت چون در هیچ کجای جهان گاز را به مبادین گازی تزریق نمی‌کنند! در واقع ایشان ادعا می‌کنند قرارداد با توتال با هدف فشـــارافزایی در فاز ۱۱ پارس‌جنوبی بوده است؛ اما انگار آقای روحانی یک بار هم قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس‌جنوبی میان شرکت ملی نفت ایران با توتال را نخوانده‌اند چون در اولین بند این قرارداد با عنوان «اهداف و رئوس شرح عملیات» آمده اســـت: «این طرح با هدف تولید حداکثری و پایدار روزانه ۲ میلیارد فوت مکعب (برابر با حدود ۵۶ میلیون مترمکعب) گاز غنی ترش از منابع بخش فراساحل فاز ۱۱ میدان گازی مشترک پارس‌جنوبی و انتقال آن به خشکی اجرا می‌شود.»

پس برخلاف ادعای آقای روحانی و طبق قراردادی که در ۱۲ تیر ۱۳۹۶ به امضای طرفین رسید، برداشت گاز اصلی‌ترین هدف قرارداد توسعه فاز ۱۱ با توتال بوده است اما اگر ادعای آقای روحانی را هم صحیح فرض کنیم؛ نتیجه قرارداد با شرکت توتال برای فشارافزایی در پارس جنوبی همان است که «علی کاردر» مدیرعامل وقت شرکت ملی نفت ایران تلویحا آن را «خیانت توتال به ایران» خواند و گفت: «توتال فرانسه، پروژه فشارافزایی میدان گازی پارس جنوبی را که برای پایداری تولید گاز در این میدان حیاتی است و قرارداد انجام آن را با ایران منعقد کرده بود، به بهانه تحریم‌ها به قطر برد.»

لازم به ذکر اســـت در دولت فعلی برداشت گاز از فاز ۱۱ پارس‌جنوبی به اجرا رسید و عملیات اجرائی پروژه فشارافزایی نیز در حال انجام است. در واقع هر دوی این اقدامات بدون نیاز به توتال و توسط شرکت‌های داخلی به ثمر نشست.

آقای روحانی در قسمت دیگری از اظهاراتشان درباره قرارداد خرید هواپیما پس از امضای برجام می‌گویند: «برجام در ۲۷ دی‌ماه ۱۳۹۴ اجرائی شد، من بهمن‌ماه به فرانسه رفتم و با ایرباس قرارداد خرید ۱۰۰ فروند هواپیما بســـتیم. من با مدیرعامل ایرباس سه مسئله را مطرح کردم، گفتم ما از شما ۱۰۰ فروند هواپیما می‌خریم ولی می‌خواهیم ما هم قطعه‌ساز ایرباس شویم... دوم اینکه گفتم ما مهندسین ایرانی را می‌فرستیم به ایرباس، می‌خواهیم در طراحی هواپیماهای جدید مهندســـین ما حضور داشته باشند، پذیرفت. سومین موضوعی که گفتم این بود که ایرباس برای خرید هواپیماهایش برای ما تأمین اعتبار کند. مدیرعامل ایرباس گفت ما در تاریخ ایرباس چنین کاری نکرده‌ایم ولی در نهایت به من گفت برای شما این کار را می‌کنیم.» برای راستی‌آزمایی این ادعا و نتیجه آن که ظاهرا در «تاریخ ایرباس» بی‌سابقه بوده است! به سراغ «محمدجواد ظریف» وزیر خارجه وقت دولت آقای روحانی می‌رویم.

آقای ظریف ۱۲ شـــهریور ۱۳۹۵ - ۲ سپتامبر ۲۰۱۶ یعنی حدود ۸ ماه پس از اجرائی شدن برجام در دی‌ماه ۱۳۹۴ و در حالی که هنوز «باراک اوباما» رئیس‌جمهور آمریکا بود؛ نامه‌ای به خانم فدریکا موگرینی به عنوان هماهنگ‌کننده برجام نوشت و در آن از نقض‌عهد آمریکا گلایه کرد. قسمتی از این نامه با عنوان «فروش هواپیمای مسافربری به ایران» به نقض عهد آمریکا در اجرای قراردادهای ایرباس، ATR و بویینگ اشاره دارد. آقای ظریف می‌نویسد: «دولت آمریکا طی ۷ ماه گذشته دست کم در چهار مورد مشخص با طفره رفتن آشکار از صدور مجوزهای لازم برای فروش یا اجاره هواپیماهای مسافربری به ایران، از انجام تکلیف خود قصور کرده است.» طبق اظهارات آقای ظریف با اجرای برجام حتی اجازه اجاره هواپیماهای مسافربری به ایران داده نشد؛ چه رسد به خرید!

آقـــای ظریف می‌گوید ۵ فوریه ۲۰۱۶ (۱۶ بهمن ۱۳۹۴) یک شـــرکت اماراتی قصد اجاره ۶ فروند ایرباس A۳۳۰ به ایران داشت اما آمریکا مجوز آن را صادر نکرد. آقای ظریف همچنین درباره قرارداد مد نظر آقای روحانی می‌نویســـد: «حدود هفت ماه قبل، شرکت ایرباس در چهارچوب یک قرارداد که پوشـــش رسانه‌ای وسیعی هم پیدا کرد درخواست مجوز برای فروش هواپیماهای غیرنظامی به ایران نمود... [اما] اوفک (دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا) همچنان از صدور مجوز لازم طفره می‌رود. همزمان با شرکت ایرباس، شرکت ATR نیز درخواســـت کرد؛ هیچ خبری از پاسخ اوفک نیست. در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۱۶ (۲۵ خرداد ۱۳۹۵) شـــرکت بوئینگ برای فروش هواپیمای مســـافری بوئینگ به ایران درخواســـت مجوز نمود. هیچ پاسخی از سوی اوفک داده نشده است... این مجوزها باید ماه‌ها قبل با یک چرخش ساده قلم صادر می‌شد!

طبق نامه آقای ظریف به خانم موگرینی، با اجرای برجام وضعیت حمل‌ونقل هوائی ایران حتی بدتر از قبل شد. وزیر خارجه آقای روحانی در این نامه توضیح می‌دهد که چگونه دفتر کنترل دارایی‌های خارجی آمریکا (OFAC) در دولت اوباما محدودیت‌های جدیدی برای خطوط هوائی ایران ایجاد کرد: «[اوفک] محدودیت جدیدی را از طریق منع شرکت‌های هواپیمایی خارجی از به اشتراک‌گذاری کدهای پروازی با شرکت‌های هواپیمایی غیر تحریمی ایرانی ایجاد کرده است... این مقرره از اجرای رویه بسیار رایج به اشتراک‌گذاری کدهای پروازی که دهه‌ها، حتی در زمان اوج تحریم‌ها نیز انجام می‌شد، جلوگیری می‌کند.» جالب است بدانید شرکت «ایران‌ایر» که از سال ۱۳۹۰ تحت تحریم‌های آمریکا قرار گرفت، حتی در سال ۱۳۹۱ یعنی در اوج تحریم‌ها نیز قرارداد اشترک‌گذاری کد (Code Share) با «ترکیش ایرلاینز» داشت؛ اما این رویه ساده و مرسوم در حمل‌ونقل هوایی با اجرای برجام نه برای شرکت‌های هوائی تحریم شده بلکه حتی برای شرکت‌های غیرتحریمی نیز ممنوع شد.

ادعای دیگر آقای روحانی در دیدار با روزنامه‌نگاران طرفدارش، درباره خرید واکسن کرونا است. ایشان پیش‌تر نیز چنین ادعایی را مطرح کرده و پاسخ‌های لازم را شنیده بود اما همچنان اصرار دارد به این خلاف‌گویی‌ها ادامه دهد. این بار آقای روحانی فرموده‌اند: «حدود ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز واکســـن از سازمان بهداشت جهانی از طریق کواکس خریدیم؛ گرچه در انتقال پول هم به دلیل تحریم‌ها مشـــکل پیدا کردیم.... ما ۶۰ میلیون دوز واکسن از روسیه خریدیم که البته عملاً چند میلیون دوز بیشتر به ما ندادند. از چین، هند و بلژیک واکسن خریدیم.»

با شنیدن این سخنان اولین سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که اگر آقای روحانی این‌قدر در خرید و واردات واکسن موفق بوده است، پس چرا همان زمان نه تنها موفقیتش را اعلام نکرد بلکه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۰ تنها چند هفته قبل از ترک کرسی ریاست جمهوری در پاسخ به افکار عمومی که می‌پرسیدند چرا دولت به اندازه کافی واکسن تهیه و توزیع نکرده است؛ گفت: «واکسن این‌گونه نیست که در دنیا فراوان باشد، سوهان قم نیست که شما وقتی از در مغازه رد می‌شوید دعوت بکنند بگویند سوهان خوب دارم. بابا! واکسن نیست به اندازه کافی. واکسن مطمئن در دنیا به اندازه کافی نیست، گرفتنش [هم] آسان نیست.»

بنابر ســـخن خود آقای روحانی از ۶۰ میلیون دوز واکسن خریداری شده از روسیه «عملاً چند میلیون دوز بیشتر به ما ندادند.» اما برای راستی‌آزمایی ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز واکســـن خریداری شده از طریق کواکس، رجوع به اظهارات سخنگوی وقت وزارت بهداشت در دولت آقای روحانی مناسب به نظر می‌رسد. «کیانوش جهان‌پور» سخنگوی وقت وزارت بهداشـــت در دولت دوازدهم با اشاره به سفارش ۱۶ میلیون و ۸۰۰ هزار دوز واکسن از سبد کواکس و حتی پیش‌پرداخت هزینه آن در ژانویه ۲۰۲۱ (دی ۱۳۹۹) از طرف دولت وقت می‌گوید: «از ۳،۶ میلیون دوز واکســـن وعده داده شده برای محموله اول، آن هم با تاخیر تا پایان بهار ۲۰۲۱ (بهار ۱۴۰۰) تنها ۲،۲ میلیون دوز واکســـن تحویل گردید و سایر محموله‌ها نیز با تاخیر از برنامه وعده داده شده تحویل شد یا اساسا محقق نگردید.» در واقع اکثر سفارش‌هایی که آقای روحانی به آن افتخار می‌کند و هزینه آن را پیشاپیش پرداخت کرده بود به اعتراف خودشان و مسئول وقت وزارت بهداشت دولت ایشان؛ اصلا وارد کشور نشد. با این حساب ما شاهد یک کلاهبرداری جهانی از دولت دوازدهم و شخص آقای روحانی به عنوان رئیس این دولت هستیم!

«دهه ۹۰ بدترین دهه زندگی مردم ایران بود» این سخن آقای جهانگیری به عنوان معاون اول دولت آقای روحانی طی ۸ سال از دهه ۹۰ کاملا درست است اما برخلاف ادعای آقای جهانگیری مسئولیت این دوره تلخ را نمی‌شود به گردن هیچ فرد و نهاد دیگری به جز دولتمردان وقت انداخت؛ چون تقریبا هیچ مانعی بر سر راه‌شان نبود و همه چیز در اختیار آنها قرار داشت؛ از مجلسی همسو و همراه که برجام را در بیست دقیقه به تصویب رساند و به وزیر فاقد صلاحیت لازم راه و شهرسازی وقت پنج بار رأی اعتماد داد تا گفت‌وگوی تلفنی آقای روحانی با اوباما و دیدار حضوری وزیر خارجه وقت با رئیس‌جمهور آمریکا در سازمان ملل.

علی‌رغم این آزادی عمل بی‌سابقه‌ای که در اختیار دولت یازدهم و دوازدهم گذاشته شـــد اما هم در برجام، هم در قرارداد ایرباس، هم در قرارداد توتال و هم در قرارداد خرید واکسن از کواکس؛ به استناد اظهارات دولتمردان آقای روحانی از نتایج این قراردادها، تقریبا همه سر آقای روحانی و دولتمردانش را کلاه گذاشتند! مهرماه ۱۳۹۸ در جریان آخرین سفر آقای روحانی به نیویورک سران سه کشور اروپایی فرانسه، انگلیس و آلمان، آقای روحانی را دوره کـــرده بودند تا او را راضی به ملاقات با دونالد ترامپ کنند. آقای روحانی خودش می‌گوید: «ابه آنها [آنها] گفتم ما دیگر حاضر نیستیم کلاه سرمان برود.»

متأسفانه آقای روحانی و دولتمردانش ۸ سال سرمایه‌های کشور را در دریای شور و بی‌حاصل امید به آمریکا تلف کردند و هر چه دلسوزان و دلواپسان نسبت به بی‌نتیجه بودن کارش هشدار دادند، توجهی نکردند. با این تفاوت که آنها علی‌رغم خسارت‌هایی که در دهه ۹۰ به بار آوردند اما هنوز هم با شوق از برجام صحبت می‌کنند و توضیح نمی‌دهند برجام غیر از فاجعه‌ای که بر سر ملت و نظام آوار کرد، چه دستاوردی داشته است؟!

سید محمدعماد اعرابی

رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت:

زمینه حضور گسترده مردم در دور دوم انتخابات مجلس فراهم شود

رئیس‌جمهور انتخابات را جلوه روشن مردم‌سالاری دانست و بر ضرورت فراهم کردن زمینه حضور گســـترده مردم در مرحله دوم انتخابات و تمهید تمامی امکانات برای تکمیل حماسه‌آفرینی آنان در انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ تاکید کرد.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی صبح چهارشنبه در جلســـه هیئت دولت با اشـــاره به نزدیک شدن زمان برگزاری مرحله دوم انتخابات مجلس شـــورای اسلامی در برخی حوزه‌های انتخاباتی، بر ضرورت فراهم کردن زمینه حضور گسترده مردم در این مرحله از انتخابات و تمهید تمامی امکانات برای تکمیل حماســـه‌آفرینی آنان در انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ تاکید کرد.

وی انتخابـــات را جلـــوه روشـــن مردم‌ســـالاری دینی دانست که آحاد جامعه در راســـتای عمـــل به تکلیف اجتماعی و شـــرعی در آن مشـــارکت کـــرده و معتمدیـــن خـــود را بـــرای قانونگذاری و بهبود روند امور انتخاب می‌کنند.

رئیس‌جمهور در ادامه به موضوع ضرورت مشـــارکت مردم برای تحقق هدف جهش تولید اشاره کرد و افزود: تمهید مقدمات تحقق مشارکت مردم نیازمند اهتمام جدی همه بخش‌های دولت است؛ هر دستگاهی باید زمینه‌ها و راهکارهای جذب مشـــارکت مردم در بخش خود را به شـــکل دقیق و با زمان‌بندی مشخص تدوین و اعلام کرده و اجرای آن را به شکل مستمر و گام به گام پایش کند.

رئیســـی در جلســـه هیئت دولت همچنین ضمن تبریک فرا رســـیدن روز کارگر و روز معلم، نقش کارگران و معلمان در پیشرفت و آبادانی کشور را اساســـی و مهم توصیف و تصریح کرد: مبنای خلقـــت عالم بر تعلیم و تربیت اســـتوار است و لذا همه ما در هر زمان و با لحاظ برخورداری از هر سطحی از دانش، همچنان نیازمند دانش‌افزایی و علم‌آموزی بیشتر هستیم.

در جلسه دیروز هیئت دولت، وزیر ورزش و جوانـــان با بیـــان اینکه هفته گذشـــته، هفته درخشش ورزشکاران کشـــورمان در میادین بین‌المللی بود، قهرمانی تیم ملی فوتسال در رقابت‌های جام ملت‌های آسیا، قهرمانی تیم ملی وشوو در رقابت‌های انتخابی جام جهانی، قهرمانی تیم ملی دختران کمتر از ۱۸ سال در تورنمنت کافا در تاجیکستان، قهرمانی تیم والیبال دانش‌آموزی ایران در رقابت‌های مدارس جهان، قهرمانی، شکســـتن رکورد و کسب مدال طلای خانم عیدیـــان در ماده ۴۰۰ متر دو با مانع قهرمانی آسیا، نایب قهرمانی تیم ملی تپانچه بادی کشورمان در مسابقات جام جهانی کره جنوبی و نایب قهرمانی تیم شطرنج امید کشورمان در مسابقات شهرهای آسیا را از جمله این موفقیت‌ها برشمرد که باعث شادی و شعف عمومی در کشور شد.

معاون علمی، فنـــاوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری نیز با اعلام خبر دستیابی به فرمولاسیون، فرآیند و فناوری استحصال کود «تریپل سوپر فسفات» به عنوان یکی از کودهای مهم و بســـیار پرکاربرد در کشاورزی گفت: سالانه نیاز به واردات ۲۵۰ هزار تن از این نوع کود داشـــتیم که خوشبختانه تولیـــد آن در کشـــور بومی‌ســـازی و خط تولیدی با ظرفیت ۱۰۰ هزار تن راه‌اندازی شـــده که تـــا ۲۰۰ هزار تن قابل افزایش اســـت و می‌تواند سالانه تـــا ۳۷ میلیون دلار صرفه‌جویی ایجاد کند.

وی ابراز امیدواری کرد با حمایت از تولیدات داخـــل، زمینه رونق تولید داخلـــی ایـــن محصول فراهم شـــود.

تصویب نقشه راه اجرائی‌سازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

جلسه شورای‌عالی انقلاب فرهنگی به ریاست آیت‌الله رئیسی با تصویب سه مصوبه برگزار شد.

اولین مصوبه این جلســـه نقشـــه راه اجرائی‌ســـازی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود که با رای اکثریت اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید.

این ســـند با وجود برخورداری از غنای مبنایی، فاقد نقشـــه راه اجرائی بود که بـــا تلاش شـــش‌ماهه وزارت آموزش و پرورش و ستاد تعلیم و تربیت شورای‌عالی انقلاب فرهنگی کلیات آن تدوین و در جلسه این شورا تصویب شد.

همچنیـــن در جلســـه دو نفر از اعضای حقیقی شورای سیاستگذاری جایزه دکتر کاظمی آشـــتیانی و پنج نفر از اعضای حقیقی برای عضویت در هیئت امنای بنیاد سعدی با نظر موافق اعضای شـــورای عالی انقلاب فرهنگی انتخاب شدند.

سخنگوی وزارت امور خارجه:

صدور بیانیه تکراری درباره میدان آرش هیچ حقی برای کویت ایجاد نمی‌کند

سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ به تکرار ادعای یکجانبه کویت دربـــاره میدان آرش گفت: صدور بیانیه‌های تکراری و طرح ادعـــای یکجانبه از منظر حقوقی هیچ حقی برای دولت کویت ایجاد نخواهد کرد و به مقامات این کشور توصیه می‌کنیم از تکرار توســـل به روش‌های بی‌حاصل سیاســـی و رســـانه‌ای در ارتباط با موضوع حقوقی و فنی میدان مشـــترک آرش خودداری کنند.

ناصر کنعانی در پاســـخ به تکرار ادعای یکجانبه کویـــت درباره میدان آرش در بیانیه پایانی سفر امیر کویت بـــه مصر، ضمن مردود دانســـتن این ادعـــا، تکرار این ادعاهـــای یکجانبه و بی‌اساس از سوی طرف کویتی را مایه تاسف دانست.

ســـخنگوی وزارت امـــور خارجه ضمن تاکید بر حق جمهوری اسلامی ایران در این میدان مشترک بر اساس حقـــوق تاریخی و ســـوابق مذاکرات فیمابین اضافه کـــرد: همانند قبل از طرف کویتی برای دستیابی به توافقی پایدار کـــه مبتنی بـــر همکاری‌های دوستانه و منافع مشترک باشد، دعوت به عمل می‌آوریم.

کنعانی افزود: صـــدور بیانیه‌های تکـــراری و طرح ادعـــای یکجانبه، از منظر حقوقـــی هیچ حقی برای دولت کویت ایجاد نخواهد کرد و به مقامات این کشـــور توصیه می‌کنیم از تکرار توسل به روش‌های بی‌حاصل سیاسی و رسانه‌ای در ارتباط با موضوع حقوقی و فنی میدان مشترک آرش خودداری کنند.

وی تاکید کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره با اعتقاد به اصل حســـن نیت، تعاملات منطقه‌ای را رصد کرده و از دولت‌های ثالث می‌خواهد در مسیر تحقق عینی اصل حسن نیت و ارتقای روابط و همکاری‌ها گام بردارند.

به گـــزارش ایرنا، بـــه رغم اینکه میدان گازی آرش میان ســـه کشـــور ایران، کویت و عربستان مشترک است. طرف کویتی در چند نوبت مواضعی در نفـــی حقوق ایران بر این میدان گازی اتخاذ کرده اســـت. برای نمونه بهمن ۱۴۰۲ کویـــت بـــه همراه عربســـتان سعودی در بیانیه‌ای مشترک با تاکید بر ادعای دوباره مالکیت خود بر منابع طبیعی میدان مشترک «آرش» که آنها آن را «الـــدوره» می‌نامند با رد حقوق طرف دیگر ادعا کردند که این میدان در مناطق دریایی کویت قرار دارد.

ستاد انتخابات کشور:

تبلیغات مرحله دوم انتخابات مجلس از امروز آغاز می‌شود

ســـتاد انتخابات کشـــور در اطلاعیه شـــماره یک اعلام کرد تبلیغات مرحلـــه دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی از بامداد ۱۳ اردیبهشت به مدت یک هفته آغاز می‌شود.

به گزارش کمیته اطلاع‌رســـانی ســـتاد انتخابـــات کشـــور، متـــن ایـــن اطلاعیه به شـــرح زیر اســـت:

بـــه آگاهی مـــردم شـــریف ایران اســـلامی و تمامـــی نامزدهای مرحله دوم انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اســـلامی می‌رساند، در اجرای مـــاده (۷۰) قانـــون انتخابات مجلس شورای اسلامی، فعالیت‌های تبلیغاتی کلیه نامزدهای واجد شرایط از ساعت ۰۰:۰۰ بامـــداد روز پنجشـــنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۱۳ آغاز و در ساعت ۰۸:۰۰ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۰ پایان می‌یابد.

پول بیت‌المال پس گرفته شد حامیان بابک زنجانی شاکی شدند!

محافل سیاسی و رسانه‌ای مدعی اعتدال و اصلاحات، روایتی تحریف‌آمیز از ماجرای بابک زنجانی به دست می‌دهند تا بتوانند افکار عمومی را از فهم دقیق آغاز و فرجام وی منحرف کنند.

رسانه‌های این طیف مدت‌هاست روی تبدیل حکم اعدام بابک زنجانی به ۲۰ سال زندان مانور می‌دهند بدون این که اشاره‌ای به موفقیت قوه قضائیه در پس گرفتن اموال بیت‌المال داشته باشند. به تیتر برخی نشریات دقت کنید:

- شـــرق: بابک زنجانی عفو شـــد؛ ۲۰ ســـال زندان به جای اعدام، حکم نهائی پرونده فساد بزرگ نفتی
- اعتماد: حکم اعدام بابک زنجانی به حبس تبدیل شد؛ نجات آقای ب.ز
- هفت صبح: ۲۰ سال حبس! حکم اعدام بابک زنجانی پس از ده سال به حبس تبدیل شد
- سازندگی: عفو ب.ز/ حکم اعدام بابک زنجانی به ۲۰ سال حبس تبدیل شد
- آرمان: سرنوشت متهم بزرگ اقتصادی به کجا رسید؟ خداحافظی بابک زنجانی با طناب دار

همزمـــان، کانال‌های همســـو، ویدئویی از اظهارات (قبلی) روحانی در زمان ریاســـت جمهوری‌اش (۱۷ اسفند ۱۳۹۴ در یزد) را بازنشر کردند که می‌گوید: «در دوره تحریم یک آدم توانست دو میلیارد و هفتصد میلیون دلار پول نفت را... خب حالا می‌گویند محکوم شده به اعدام. ثم ماذا؟ پول کجا رفت؟ اعدام که مشکلی را حل نمی‌کند. آنی که سؤال مردم است، این است که این پول کجا رفته است؟ چرا به او اجازه دادند نفت بفروشد؟». او همچنین در کرمانشاه گفته بود: «۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار از پول مردم را بردند. قوه قضائیه پول‌های غارت شده را پس بگیرد».

اما حالا که پول بیت‌المال پس گرفته شده، نشریات زنجیره‌ای دوست ندارند مردم از این خبر خوب و امیدوارکننده با خبر شوند. قوه قضائیه توانست با تحت فشار گذاشتن بابک زنجانی و پیگیری دستگاه‌ها، اموال بیت‌المال را بازپس بگیرد. این واقعیت، طیف سیاست‌بازی را که هم ابتدائا زنجانی را پرورش دادند و بالا کشیدند و هم روی پرونده تخلف بعدی وی در دولت احمدی‌نژاد موج‌سواری کردند، ناراحت می‌کند. آنها دوست داشتند زنجانی اعدام شود و پول‌ها برنگردد تا بتوانند به فریب افکار عمومی و منفی‌بافی و سیاه‌نمایی ادامه دهند. اما حالا که قوه قضائیه و دستگاه‌های اطلاعاتی توانسته‌اند با تحت فشار گذاشتن فرد متخلف، اموال را پس از ده سال به بیت‌المال برگردانند، عناصر سیاست‌بازان شاکی شده‌اند.

گفتنی است قوه قضائیه درباره پرونده بابک زنجانی دو راه بیشتر نداشت: ۱- زنجانی را اعدام کند، اما اموال بیت‌المال به کشـــور برنگردد. ۲- اعدام وی را به شرط تلاش وی برای بازگرداندن اموال، به حبس ۲۰ ساله تبدیل کند. در نقطه مقابل، محافل سیاست‌باز و مغرض دوست داشتند زنجانی اعدام شود و پول‌ها برنگردد، تا سوژه عوام‌فریبی را داشته باشند.

در این زمینه قوه قضائیه گزارش داده است: «از اوایل دهه ۹۰ و اوج‌گیری تحریم‌های ظالمانه، بابک زنجانی به دلیل برخورداری از برخی ظرفیت‌ها و دسترسی‌ها در خارج از کشور، همکاری با وزارت نفت را آغاز کرد. اما در دی‌ماه ۱۳۹۲ با شـــکایت وزارت نفت، بازداشت و محاکمه شد. دادگاه بدوی در اواخر سال ۹۴، حکم محکومیت وی (اعدام و رد مال) را صادر کرد. پس از اعتراض بابک زنجانی، دیوان عالی کشـــور در آذرماه ۱۳۹۵، ضمن تأیید حکم دادگاه، در دادنامه صادره این نکته را اضافه کرد: «بدیهی اســـت در صورت استرداد اموال و جبران خسارات وارده و اظهار ندامت و پشیمانی و توبه، محکوم‌علیه استحقاق برخورداری از مقررات ذیل ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی را خواهد داشت». با وجود تلاش‌های صورت گرفته برای بازگشـــت اموال به داخل، به دلیل برخـــی موانع، این اقدامات نتیجه مطلوبی در پی نداشـــت و تنها حدود یک‌چهارم از کل بدهی‌های زنجانی، به بیت‌المال بازگردانده شد. اردیبهشت ۱۴۰۲ با ابلاغ رئیس قوه قضائیه و در پی تاکیدات ایشان، به محکوم‌علیه، فرصتی با بازه زمانی مشـــخص داده شـــد تا تکلیف بازگرداندن بدهی‌ها را مشـــخص کند. بر همین اساس و با تعامل سازنده دستگاه قضائی و سازمان اطلاعات سپاه، اموال بابک زنجانی با همکاری خودش در خارج از کشـــور شناسایی شده و مجموعه‌ای از راهکارهای پیچیده اطلاعاتی و حقوقی برای بازگرداندن اموال به داخل کشـــور در دستور کار قرار می‌گیرد. در نتیجه، محموله‌ای معادل بدهی‌های ارزی بابک زنجانی در بهمن‌ماه ۱۴۰۲، در چند مرحله توســـط ســـازمان اطلاعات سپاه وارد کشور شده و در اختیار بانک مرکزی قرار می‌گیرد که بر اســـاس برآوردهای کارشناســـی، ارزش آن با احتساب اموال مصادره شده قبلی زنجانی، بیش از بدهی‌های وی به وزارت نفت می‌باشد».

نکته دیگری که مدعیان اعتدال و اصلاحات تعمدا بازگو نمی‌کنند، روند رشد بابک زنجانی اســـت. فارغ از تصاویر موجود که مرحوم هاشـــمی و آقای حسن روحانی را در حال تقدیر و جایزه دادن به بابک زنجانی نشان می‌دهد، گفت‌وگوی زنجانی، با نشریه کارگزارانی آسمان (به سردبیری محمد قوچانی) در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۹۲ (چهار ماه قبل از بازداشت وی) قابل تامل اســـت. زنجانی در این گفت‌وگوی آگهی‌گونه و تبلیغاتی- در حالی که تصویرش بر صفحه اول نشریه کارگزاران نشسته- درباره روند رشد خود می‌گوید:

«زمانی که در پادگان ولی‌عصر تهران سرباز بودم، آقای هاشمی رفسنجانی [رئیس‌جمهور وقت] برای بازدید به آنجا آمدند، گفتند تعدادی سرباز برای ریاست‌جمهوری، بانک مرکزی و جاهای مختلف انتخاب کنند. وقتی به عنوان سرباز به بانک مرکزی رفتم گفتند شما باید به‌عنوان راننده، آقای نوربخش را جابه‌جا کنید. حدود ۵ ماه از سربازی‌ام مانده بود. من در دفتر آقای نوربخش کار ثبت‌نامه‌ها را انجام می‌دادم، بعد هم رانندگی آقای نوربخش را می‌کردم. بعد از خدمت... آقای نوربخش ۴-۵ جا را انتخاب کرده بود و برای کنترل بازار به آنها دلار می‌داد تا در بازار پخش کنند. دلار ۳۰۰ تومان بود و همه می‌گفتند دلار می‌خواهد هزار تومان شود. مردم می‌رفتند شب تا صبح در صف بانک‌ها می‌خوابیدند تا دلار بگیرند و در بازار بفروشند.

خبر ویژه

آقای نوربخش به من گفت شما هم بیا در این مجموعه‌هایی که دارند دلار تزریق می‌کنند و ۴ یا ۵ نفر بودند، کار کن. اولین روز ۱۷ میلیون دلار ارز در بازار توزیع کردم و اولین کارمزد من هم ۱۷ میلیون تومان بود [۱۷ میلیون تومان کارمزد در یک روز به نرخ سه دهه قبل!!] با آن پول هم یک دفتر در میرداماد (خیابانی که بانک مرکزی نیز همان‌جاست) خریدم. هر روز دلار می‌گرفتم و در بازار می‌فروختم... (درباره عکس با هاشمی و خاتمی و روحانی) من پیش این آقایان رفتم تا جایزه بگیرم... تا حالا سه چهار بار آقای هاشمی را از نزدیک دیده‌ام. بعد از انتخابات، خدمت ایشـــان رفتم و توضیحی درباره کارهایم به ایشـــان دادم. بیشتر از ۸ سال است که عکس ایشان در اتاقم هست».

اگر نامتعادل است چرا او را به عنوان نواندیش دینی ترویج می‌کردید؟!

چگونه است که روزنامه شرق «گفت‌وگویی تاریخی با مهدی نصیری روزنامه‌نگار، نویسنده و فعال سیاسی» انجام می‌دهد و او را تبلیغ و مانند یک قهرمان معرفی می‌کند، یا روزنامه اعتماد با او به عنوان «روزنامه‌نگار، نواندیش دینی و فعال سیاسی» درباره حجاب مصاحبه می‌کند، اما حالا هم او که باطن اصلاح‌طلبان را ظاهر کرده، می‌شود افراطی نامتعادل؟!

روزنامه جوان در یادداشتی با اشاره به حضور نامبرده در کانادا و اظهاراتش در گفت‌وگو با بی‌بی‌سی نوشت: او «باطن» اصلاح‌طلبان است که «ظاهر» شده و حالا اصلاح‌طلبان که سال‌هاست با باطنی غیر از شخصیت متظاهرشده خود با مردم و نظام روبه‌رو شده‌اند، از اینکه او قواعد بازی را رعایت نکرده و باطن آنان را آشکار کرده، به‌شدت دلخور و هراسان شده‌اند و هر روز یکی از آنان، تکذیب و رد وی را برعهده می‌گیرد. غافل از آنکه وقتی چندین سال است تریبونی برای اظهارات او شده‌اند. غلامحسین کرباسچی گفته: «من اصلاً ایشان را آدم متعادلی نمی‌دانم که بخواهد طرح و رویکردی بدهد. او یک آدم افراطی است، آدم متعادلی نیست.» محمدعلی ابطحی، رئیس دفتر وقت خاتمی نیز عین همین عبارات را به کار برده است. اکنون پرسش‌های مهمی پیش روی ماست. چطور ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ یعنی درست در ابتدای ماجرای مهسا، روزنامه اعتماد با نصیری به عنوان «روزنامه‌نگار، نواندیش دینی و فعال سیاسی» درباره حجاب مصاحبه می‌کند و او را شخصیت و فرصت مناسبی برای ریختن بنزین روی آتش آن ماجرا تشخیص می‌دهد، اما الان اصلاح‌طلبان تجمیع شده‌اند که بگویند «او خل‌وچل است و افراطی و نامتعادل»؟!

چگونه اســـت که روزنامه شرق در ۱۵ دی ۱۴۰۲ گفت‌وگویی تاریخی با وی به عنوان «روزنامه‌نگار، نویسنده و فعال سیاسی» انجام می‌دهد و او را تبلیغ و مانند یک قهرمان معرفی می‌کند، اما حالا شده افراطی نامتعادل؟!

چرا شـــبکه رسانه‌ای «هم‌میهن» متعلق به